

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۱

تشبیه و بسامد کاربرد آن در اشعار محمد رضا شفیعی کدکنی

(ص ۲۸۹-۳۰۹)

دکتر محتشم محمدی (نویسنده مسئول)^۱ - بشیر علوی^۲

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۶

چکیده

تشبیه به عنوان عنصر اصلی خیال، نقش بسزایی در خلق انواع تصاویر شاعرانه ایفا می‌کند. شفیعی کدکنی نیز شاعری تصویرگراست که به مدد این عنصر، در عرصه تصویر آفرینی‌های بکر و خیال‌انگیز، گام برمی‌دارد. در این پژوهش تشبیهات اشعار وی از جنبه‌های مختلف، چون انواع تشبیه، مواد تشبیه، تشبیهات نو، ابزار و پویایی تشبیه مورد بررسی قرار گرفته و در پایان تحلیل آماری نیز از آنها ارائه شده‌است، تا ضمن شناخت چگونگی ابزارهای بیانی در آفرینش شعر و تأثیر آنها بر سبک و زبان شاعر، معیارهای اساسی زیباشناختی شعر شفیعی کدکنی به خواننده ارائه گردد. این پژوهش ثابت می‌کند که شاعر از نظر انواع تشبیه، به تشبیهات گسترده و مرسل و تشبیه عقلی به حسی و تشبیه ملفوف، گرایش بیشتری دارد. ضمن اینکه گاهی شاعر چندین ساختار شکلی را در یک تشبیه گنجانده که باعث نوآوری شده‌است. وی همچنین در ضمن اشعار خویش، مبدع تشبیهاتی نو است که در نوع خود بی‌نظیرند. شاعر از نظر موضوعات مختلف مواد تشبیه، در جهت أخذ مشبه، با توجه به تفکر و اندیشه خاص خود، به معنویات و مفاهیم مجرد و انتزاعی، گرایش بیشتری دارد، در حالی که از لحاظ مشبه به طبیعت و مواد آن، بیشترین بسامد را در تصاویر وی به خود اختصاص داده‌اند. تصویر شعری وی محرک و پویا هستند تا ایستا.

واژگان کلیدی: شفیعی کدکنی، تشبیه، عناصر تشبیه.

^۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کازرون (mohtasham@kazerunfu.ac.ir)

^۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کازرون (B.alavi@kazerunfu.ac.ir)

۱- مقدمه

خیال یکی از عناصر سازنده شعر و در واقع عنصر اصلی بیان شاعرانه است. در واقع تمامی هنرمندان، برای به تصویر کشیدن اندیشه خویش، ناگزیر از کاربرد گونه‌های خیال می‌باشند. آنها مخاطبان را به مدینه فاضله‌ای فرا می‌خوانند که جز به یاری این صورت‌های خیالی شاعرانه، تجسم آن غیر ممکن است. بنابراین «خیال شاعرانه، با یاری گرفتن از عنصر تصویر، بسیاری از امور ذهنی را دیداری می‌کند و تصورات خود را از این راه به تماشا می‌گذارد» (گونه‌های نوآوری در شعر معاصر، ۱۳۸۲: ۲۸۹). فتوحی در بلاغت تصویر معتقد است که «تخیل و تصویرپردازی عرصه تمرین آزادی و خلاقیت است و این عرصه مجالی است برای آدمی تا با قدرت سحرانگیز خیال، در پدیده‌ها حلول کند و روح خود را در آنها بدمد و جهان را به دلخواه خویش بسازد و عالمی و آدمی از نو بیافریند» (بلاغت تصویر، ۱۳۸۶: ۶۷)

در میان صور مختلف خیال در شعر نو فارسی، تشبیه بدیع‌ترین و جالب‌ترین صورت‌ها و حالات را به تصویر کشیده و از مهم‌ترین عناصر خیال، تشبیه است و نقش این عنصر تاجایی است که دانشمندان علم بلاغت و ادیبان از دیرباز تاکنون بر نقش پراهمیت آن در تصویرآفرینی‌های شاعران اتفاق نظر دارند و معتقدند که «تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است. صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف می‌کند و در صور مختلف به بیان درمی‌آورد» (سفر درمه، ۱۳۸۱، ۲۱۶).

محمد رضا شفیعی کدکنی یکی از شاعران معاصر ایران است که از او دو مجموعه شعر آئینه ای برای صداها و هزاره دوم آهوی کوهی چاپ شده است. شفیعی علاوه بر شعر به نقد، ترجمه، پژوهش و نویسندگی نیز اشتغال دارد. (در جستجوی نیشابور، ۱۳۸۶: ۲۱) وی، در به کارگیری صور خیال در شعر خود مسیری موفق و پردامنه طی کرده است. اشعار شفیعی کدکنی، در ردیف هنری‌ترین اشعار معاصر فارسی محسوب می‌شود و کمتر بندی را در آنها می‌توان یافت که از صور خیال بی‌بهره باشد. او شعر و خیال را در خدمت اهداف دینی و اجتماعی و عرفانی قرار داده است، به گونه‌ای که برای اندیشه و عقل، دنیا و تعلقاتش، عدل، حقیقت و ... تصاویری نو، هنری و ابتکاری آفریده که در نوع خود، نظیر و هم‌تا ندارد. تشبیه از برجسته‌ترین صور خیال در شعر شفیعی کدکنی است. بنابراین در این مقاله سعی شده است، به بررسی انواع تشبیه در اشعار شفیعی کدکنی همراه با ترسیم جداول

و نمودارهای مرتبط با بحث، پرداخته شود. عمده ترین نکات مورد بررسی در این پژوهش به شرح زیر است: (۱) ساختار و کارکرد تشبیه و جایگاه آن در اشعار شفیعی کدکنی (۲) واکاوی پیوندهایی که شاعر میان عناصر و مواد تشبیه برقرار کرده. (۳) بررسی زاویه تشبیه و ایستایی و پویایی آن در تشبیهات وی.

۲- روش پژوهش

روش کار به کار گرفته شده در این پژوهش در واقع روش توصیفی-تحلیلی است که بدین منظور با شواهد و قراین، انواع تشبیهات مطرح شده در ساختار شعر شفیعی نشان داده شده است و با تحلیل و نمودار آماری به معرفی گونه‌ای از جلوه های زیباشناسی شعر شفیعی پرداخته شده است. در بسیاری از موارد برای پرهیز از اطاله کلام- که قطعاً مطلب در حوصله مقاله نمی‌گنجید- به ناچار بسیاری از شواهد را حذف و در دومورد نیز به منظور نشان دادن روند تحول و دگرگونی در مدارتصویرها، به رسم نمودار و ارائه جداول بسنده کرده ایم.

۳- پیشینه تحقیق

بر اشعار شفیعی کدکنی پژوهش‌های فراوانی انجام شده است، ولی بر طبق بررسی‌های انجام گرفته در زمینه «جایگاه و تحلیل تشبیه و ساختار آن در اشعار شفیعی کدکنی» هیچگونه پژوهشی مشاهده نگردید. بنابراین با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه این تحقیق و اهمیت موضوع مورد بحث و اینکه اشعار زیبا و پر مضمون این شاعر کمتر از این منظر، مورد توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان به زبان و ادب فارسی قرار گرفته است. لذا انجام تحقیقی جامع درباره تشبیه در کلام وی، ضرورت دارد.

۴- تشبیه در شعر شفیعی کدکنی

۴-۱- عناصر تشبیه

عناصری که به عنوان ابزاری در ساخت تشبیه در اختیار شاعر قرار گرفته اند؛ به سبب تنوع به چهارده بخش کلی تقسیم شدند که عبارتند از:

۴-۱-۱- عناصر طبیعی

طبیعت زیباست و برای درک این زیبایی‌ها باید چشمی بینا، ذوقی سلیم و دلی بیدار داشت تا این زیبایی‌ها را در عرصه خیال دید، دریافت و حس کرد. شفیعی کدکنی این شاعر تصویرگرا نیز، در عرصه پهن‌اور طبیعت به آفریدن تصاویری بکر و خیال‌انگیز دست‌زده است. این عنصر از میان تشبیهات موجود در اشعار وی، حدود ۴۲/۳۷ درصد از مشبه‌به و ۹/۸۸ درصد از مشبه را به خود اختصاص داده است.

- **مشبهه:** خاشاک گیج در خم دهلیزگردباد (شبخوانی، ۱۳۸۹). می رود آب/آیینه عمر(از زبان برگ، ۷۰). چراغ لاله(زمزمه، ۲۲).

- **مشبهه به:** برف پاک کوهسارانی هنوز(زمزمه، ۱۸)/باد صبح و بوی بارانی هنوز(زمزمه، ۱۸)/همچو باران از نشیب دره‌ها(زمزمه، ۲۰)/همچو زبانه می روی(زمزمه، ۲۹)/صبح جوانی(زمزمه، ۴۹)/چون موج در آغوش تو آرام بمیرم(زمزمه، ۵۰)/در پرده عصمت باغ های خیالم / چون نور و چون عطر جاری است. (شبخوانی: ۵۱)./هیچ دانی چرا، چون موج / در گریز از خویشتن، پیوسته می کاهم (همان: ۷۰)./طوفان واژه های تو، امروز / گر خاک درهای شیطان نیفکند ... (همان: ۶۷). مثل بهار از همه سو می آید(در کوچه باغ های نیشابور، ۲۷)/چون موج(در کوچه باغ های نیشابور، ۷۰)/دریایم(در کوچه باغ های نیشابور، ۳۹)

۴-۱-۲- معنویات و مفاهیم مجرد و انتزاعی

این بخش شامل حالات درونی انسان و متعلقات معنوی او و در واقع، امورغیبی و ناملموس مانند عشق، غم و اندوه، لطف، فطرت، نفس، هستی و وجود، اندیشه، مرگ، عمر و ... می شود. این گفتار که به نوعی تشبیهات عقلی به حسی شاعر را دربر گرفته، بیانگر این نکته است که شاعر برای درک بهتر مشبه معقول، آن را به امری محسوس تشبیه می کند. این نوع تشبیه را می توان یکی از برجسته ترین جنبه های هنری تشبیه شمرد، که در اشعار شفیع، از لحاظ مشبه با ۳۹/۵۴ درصد، واز نظر مشبه به ۴/۸۰ به خود اختصاص داده است که این امر ناشی از تفکر عرفانی شاعر است؛ زیرا او بیشتر از آنکه به طبیعت بیرون انسان توجه داشته باشد به طبیعت درون و مفاهیم مجرد و انتزاعی تمایل دارد.

- **مشبهه:** از دولت بخت (شبخوانی، ۵۲)/روح مثل نگاه آهوی کوهی(خطی زدلتنگی، ۲۶)/شعر روان جوی(از زبان برگ، ۴۲) شعله آتش عشقم(زمزمه، ۴۱)/شمیم گل آرزو(شبخوانی، ۱۳)/راه آرزو(غزلی برای گل آفتابگردان، ۵۵)/آن لحظه ها که روح، در آن ها / مثل نگاه آهوی کوهی / بر دشت ها و گریده رها بود (خطی زدلتنگی: ۱۲۶)./ما کمتر از آن نسیمیم / در آن سوی دیوار بیم (بوی جوی مولیان: ۸۳)./چراغ کلامی که من پیش پا را بینم / در این روشنی های ریمن (خطی زدلتنگی؛ ۱۱)./

- **مشبهه به:** از دولت بخت (شبخوانی، ۵۲)/هان ای بهشت خاطره ای زادگاه من(شبخوانی، ۱۸)/بشکن طلسم سکوت را به آواز گهگاه(در کوچه باغ های نیشابور، ۳۴)/عشق نردبانی است به عالم بالا(غزل برای گل آفتاب گردان، ۱۱)/قاره عشق(غزل برای گل آفتاب گردان، ۱۴)

۴-۱-۳- درختان، گلها، گیاهان و اجزای آنها و...

درختان و گلها و گیاهان، همواره مورد توجه شاعران تصویرگرای ما بوده اند، چنانکه شفیعی کدکنی نیز از زیبایی های طبیعت، در تشبیهات خویش بهره برده است. این عنصر، در میان اشعار ایشان حدود ۳/۶۷ درصد از تشبیهات وی را از لحاظ مشابه به‌ها دربرمی گیرد که این امر دال بر طبیعت‌گرایی شاعر می باشد. مشابه با این امورات در اشعار وی حضور ندارد.

- **مشبه به:** که چون تو دست گلی به دست کس بینم (زمزمه، ۳۱) / لاله صبح بهارم (زمزمه، ۳۴) / با خزان زاده ام آری گل زردم گل زردم (زمزمه، ۵۷) / چون شبنم گل ها (زمزمه، ۵۰) / چون شاخه بریده بهاری نداشتم (زمزمه، ۷۰) / مثل درخت در شب باران... بامن بگو (مثل درخت در شب باران، ۶۶) /

۴-۱-۴- انسان و متعلقات وی

بخش اول مربوط به انسان و متعلقات مادی وی مانند حسن، جمال، سخن و ... است. که بیشترین بسامد یعنی حدود ۱۸/۶۴ درصد از تشبیهات شفیعی را در مشابه، به خود اختصاص داده است.

- **مشبه:** زنان اینجا چوشیر شیرزه کوشند فصل اگرها (خطی زدلتنگی، ۶۰) / ظلمت تردید (زمزمه، ۲۲) / طوفان واژه های تو، امروز / گر خاک درهای شیطان نیفکند ... (همان: ۶۷) / نگاهم مثل قیری می چکد بر آب (همان: ۲۸) / خون واژه (بوی جوی مولیان، ۷۳) / سرخ بوته خون شما (درکوچه باغ های نیشابور، ۷۶) / درپایتخت سلسله شب که شهر ماست (مرثیه سروکاشمر، ۵۵) / کتاب هستی ما (مرثیه سروکاشمر، ۷۴) / کوچه تنهایی (خطی زدلتنگی، ۱۷) /

۴-۱-۵- اشیا، ابزار آلات، مکانها...

اشیا و عناصر بی جان، ابزار آلات، مکانها و بناها، خواه ناخواه در شعر همه شاعران در ساخت تشبیه کاربرد فراوانی دارند. زیرا همه انسانها در زندگی روزمره خویش به نوعی با آنها در ارتباط اند. این عناصر در تشبیهات شفیعی، نقشی نسبتاً خوبی دارند به طوری که این عنصر از میان مشبیهات وی، ۶/۴۸ درصد و حدود ۱۴/۶۸ درصد از مشابه به های تشبیهات شفیعی را دربرمی گیرد که شامل انواع زادگاه، خس، چتر، جاروب، سطل، قطب نما و... می شود.

- **مشبه:** هان ای بهشت خاطره ای زادگاه من (شبخوانی، ۱۸). گل های نقش کاشی مسجد را / در نیمه های دی / صبح بهار دید (همان: ۴۹).

- **مشبه به:** خنده ات آینه خورشیدهاست. / چون شمع عیان سوزم (زمزمه، ۵۰) / و ز ساحل سکوت تو، با زورق خیال / تا خلوت خیالی افلاک رفته ام (همان: ۱۶). / در شبستان خیال خویش بیرون از زمین و / آسمان بودم (همان: ۳۱). / مثل چتری با رزگونه (ستاره دنباله دار: ۱۶). / خسی بر موج دریای تو باشم (زمزمه، ۱۳) / چون شمع زخود رفتم و در منزل خویشم (زمزمه، ۸۵) / آینه صفت (زمزمه، ۶۸) /

۴-۱-۶- افلاک و اجرام آسمانی

مشبه ۴/۵۱ و مشبه به ۹/۰۳ را به خود اختصاص داده است.

- **مشبه:** و فانوس بلورین ستاره / بر این نیلی رواق جاودان دورر (همان: ۲۶). کبریت های صاعقه / شب را نابود می کند (در کوچه باغ های نیشابور، ۵۹). جاروب ذوذنَب (ستاره دنباله دار، ۴۷)

- **مشبه به:** پیمان خورشید چشم تو جاوید باد (شبخوانی ۲۱). در شب من خنده خورشید باش (زمزمه، ۳۱). چون صاعقه ام (غزل برای گل آفتاب گردان، ۱۶). آفتاب ظلمت تردید باش (زمزمه، ۳۱). چون هالالم (زمزمه، ۷۵). دیری ست مثل ستاره چمدانم را / از شوق ماهیان و تنهایی خودم ... (از زبان برگ: ۵۲). چون آذرخش در سخن خویش زیستند. چو ابرنوبهار (زمزمه، ۵۹)

۴-۱-۷- حیوانات، جانوران، پرندگان و اعضای آنها

حیوانات و پرندگان در تصویر آفرینی شاعر مؤثر بوده اند. به طوری که حدود ۸۶ / ۱۱ درصد از تشبیهات شفيعی را به عنوان مشبه به شامل می شوند. این بخش در واقع شامل انواع حیوانات، پرندگان و همچنین اعضا و متعلقات آنها چون: استخوان، مغز استخوان، پر وبال و ... می شود و بندرت از حشرات و خزندگان، نام برده است.

- **مشبه به:** هوکشان همچون گوزن کوهسار (زمزمه، ۲۱). همچو طوطی به قفس با که سخن گویم (زمزمه، ۳۸). مثل مسیر مار، که بر نرمه ریگ دمش / طومار روزگار گشودست (همان: ۶۶). ما انبوه کرکسان تماشا (در کوچه باغ های نیشابور، ۵۰). ایستاده مثل ازدهاست (خطی زدلتنگی، ۲۱).

۴-۱-۸- عناصر و شخصیت های تاریخی و اساطیری

تاریخ و اساطیر ملی ایرانی، مخصوصاً اساطیر، از دیرباز تا کنون مورد توجه ایرانیان و شاعران بوده است. به گونه‌های که «در شعر فارسی یک سوی صورخیال آنها راتشکیل می دهد و از عناصر پر اهمیتی است که خیال، در ترکیب و تصرف آن زیبایی ها و هنرهایی را به وجود آورده است» (صورخیال در شعر فارسی، ۱۳۶۶: ۳۶۶) شفیعی نیز از جمله شاعرانی است که از اساطیر و شخصیت‌های تاریخی در تشبیهات خویش بهره برده است. هر چند که ۶/۲۱ درصد از مشبیه‌های شفیعی را این عناصر در برمی گیرند؛ اما همین درصد اندک نیز به گونه‌های بکر و خیال انگیز، در اشعار شفیعی به کار رفته است.

- **مشبه به:** همچون مجنونی (زمزمه، ۵۷). همچو فرهاد از جنون زد تیشه ای بر فرق خویش (زمزمه، ۴۶). پای در زنجیر چون کاووس و یارانش / در طلسم جاودان از چارسو اینک اسیرانیم (همان: ۳۹). تو همچون مسیحایی (مرثیه سرو کاشمر، ۹). ویراف وار دیده گشودم (از بودن تاسرودن، ۲۴)

۴-۱-۹- دنیا و آخرت و متعلقات آنها

این بخش شامل دنیا و آخرت، دهر و روزگار، خُلد و عدن و فرشتگان و ... می شود که نشان از بی اعتنایی شاعر به دنیا و متعلقات آن و نمایاندن بی وفایی‌های روزگار و در مقابل توجه وی به آخرت و معرفی نعمت‌های بهشتی و فرشتگان می‌باشد. حدود ۹/۰۳ درصد را از میان مشبه‌های شفیعی به خود اختصاص داده است.

- **مشبه:** خاموشی و مرگ آینه اند (در کوچه باغ های نیشابور، ۳۴). کاروان زندگی (زمزمه ها، ۲۲). زنبور لحظه (ستاره دنباله دار، ۲۰). چشمه جوشان عمر (بوی جوی مولیان، ۵۱).

۴-۱-۱۰- اعضا و جوارح انسانی

شفیعی از اعضا و جوارح انسانی، به عنوان مشبه استفاده کرده است که با ۶/۷۷ درصد و ۱/۹۷ از کل مشبه‌ها را شامل می شود.

- **مشبه:** پیمان خورشید چشم تو جاوید باد (شبخوانی ۲۱). زالال روش چشمانش / نگاه ترد آهوی کوهی (از زبان برگ ۴۳). سیلاب خون / در بستر رگ های من جاری است (همان: ۴۷). خوشا سپیده دما / که سرخ بوته خون شما ... (همان: ۷۶)

- **مشبه به:** برق نگاهت (زمزمه، ۲۵)

۴-۱-۱۱- زمان، اوقات و سایر فصول

تصاویر زمان در پهنهٔ بیکران خیال شفیعی متنوع و گوناگون است. اما بسامد اندکی حدود ۵/۷۷ درصد، از مشبهات و ۳/۱۰ درصد از مشبه‌به‌های قصاید وی را شامل می‌شود. در این قسمت مشبه یا مشبه‌به‌هایی که دلالت بر زمان و وقت دارند از جمله: روز و شب، صبح و تمام فصول سال و ... ذکر می‌شود.

- **مشبه:** جوی سحر (زمزمه، ۱۳). پرواز توده خاکستر ایام (شبخوانی، ۳۸). لجن شب (خطی زدلتنگی، ۶۸). هودج شام و صبح (زمزمه‌ها، ۲۲)

- **مشبه به:** بیا که چون سحرم، بی تو یک نفس باقیست (زمزمه، ۳۱). فصل اگرها (خطی زدلتنگی، ۵۳). دشت شب (در کوچه باغ‌های نیشابور، ۳۹). تاریخ سطل تجربه تلخ و تیره است (مرثیه سرو کاشمر، ۳۸)

۴-۱-۱۲- جواهرات، فلزات و سنگهای قیمتی و...

این عناصر بسامد اندکی از تصاویر شفیعی را از لحاظ مشبه ۹۴ درصد و مشبه به ۱/۱۲ درصد در برمی‌گیرد. این امر مؤید این نکته است که وی شاعری خانقه‌نشین و عارف و رویگردان از هرگونه تجمل و مال و منال دنیوی بوده و این امر بروشنی در اشعارش منعکس شده است.

- **مشبه به:** چون سبویی که شکسته است (زمزمه، ۵۱). نگاهم مثل قیری می‌چکد بر آب (همان: ۲۸).

۴-۱-۱۳- خوردنیها و آشامیدنیها و ...

این بخش حدود ۰/۸۴ درصد از مشبه‌به‌ها را در برمی‌گیرد.

- **مشبه به:** مثل نمک در آب (غزل برای گل آفتابگردان: ۱۱). تورتشنگی و تباهی (خطی زدلتنگی، ۳۲)

۴-۱-۱۴- موسیقی و لوازم آن

۰/۲۴ درصد مشبه و ۰/۲۴ درصد مشبه به را به خود اختصاص داده است.

- **مشبه:** ای شاعر روستایی / که رگبار آوازه‌ایت /... می‌شست از چهره شب ... (در کوچه باغهای نیشابور: ۳۶).

- **مشبه به:** همچون ترانه‌های خراسان (از زبان برگ، ۴۲)

۴-۲- تشبیه بلیغ

اگر هم ادات تشبیه و هم وجه شبه حذف شود، تشبیه، بلیغ است که رساترین و زیباترین شکل تشبیه می‌باشد؛ چرا که ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه‌به در این نوع از تشبیه قوی‌تر است تا آنجا که برخی این نوع از تشبیه را استعاره دانسته‌اند و چنین استدلال کرده‌اند که در این گونه تشبیهات، ادعای یکسانی و یگانگی مشبه و مشبه‌به مطرح است نه ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه‌به در یک یا چند صفت (معانی و بیان، ۱۳۸۸: ۸۸). در اشعار شفیعی این تشبیه به دو صورت اضافی و غیر اضافی است که در صورت نخست، مشبه، به مشبه به و یا بالعکس اضافه می‌شود، که به آن اضافه تشبیه می‌گویند. این نوع تشبیه با ۱۰۷ مورد از ۳۵۴ کل تشبیهات شفیعی چیزی حدود ۳۰/۲۲ درصد از تشبیهات شفیعی را شامل می‌شود. بالاترین بسامد تشبیه بلیغ در دفتر زمزمه با ۹۷ مورد و کم‌ترین بسامد در دفتر از بودن تا سرودن با ۱۲ مورد است.

۴-۲-۱- ساختمان تشبیه بلیغ

الف) دسته اول: تشبیهات، عقلی به حسی است. در این نوع تشبیه، شاعر هنری قوی‌تر به ظهور می‌رساند، زیرا با کمک از امور محسوس، امورات نامحسوس را زیباتر و گویاتر نشان می‌دهد و این یعنی «عینیت بخشیدن و ملموس کردن مفاهیم ذهنی» (سفر در مه، ص ۲۳۲). از تشبیهات فشرده که بیشترین بسامد - ۷۳ مورد - را به خود اختصاص داده است، مربوط به تشبیهات عقلی به حسی است. تعدادی از این نوع تشبیهات در اشعار شفیعی بدین قرار است. زمزمه: کشتزار آرزو (ص ۱۹)، نای عشق (ص ۲۰)، موج امید (ص ۲۷)، آینه بخت (ص ۵۲)، خورشیدنگاه (ص ۵۲)، ساحل خیال (ص ۸۰)، بادفنا (ص ۸۶)، شبخوانی: گل آرزو (ص ۱۳)، زورق خیال (ص ۶۰)، کاروان عمر (ص ۲۲)، حصار جادو (ص ۴۲)، قلعه تردید (ص ۴۴). خطی زدلتنگی: چراغ کلام (ص ۱۱)، تور تشنگی (ص ۱۵)

ب) دسته دوم: تشبیهاتی است که فشرده حسی به حسی است. و این دسته در درجه دوم - ۳۴ مورد - در میان تشبیهات بلیغ در اشعار شفیعی قرار می‌گیرد. در این نوع تشبیهات دریافت وجه شبه، کاری سخت و زمان‌بر نیست، زیرا که شاعر پوسته و لایه بیرونی و ظاهری و حسی را به هم مرتبط کرده است. (بلاغت تصویر، ص ۳۰۷). تعدادی از این نوع تشبیهات در اشعار شفیعی بدین قرار است. زمزمه: آینه خورشید (ص ۱۶)، آتش گل (ص ۳۴)، شبخوانی: جام لاله (ص ۱۷)، خطی زدلتنگی: دفتر ایام (ص ۶۶)، بوی جوی مولیان: درفش صاعقه (ص ۳۹)، تیشه تگرگ (ص ۳۹)، ابریشم نسیم (ص ۵۰)، سریر سبزه (ص ۵۰).

۴-۲-۲- وجه شبهه استخدام (دوگانه)

استخدام که یکی از زیر شاخه‌های علم بدیع محسوب می‌شود در کتاب‌های بدیع، از جمله جواهر البلاغه این‌گونه تعریف شده‌است: «استخدام ذکر لفظ مشترک میان دو معنی است که از آن لفظ یکی از دو معنی را، اراده کنند» (جواهر البلاغه، ۱۳۸۸: ۲۰۴) همایی در فنون بلاغت و صناعات ادبی خویش آن‌را روشن‌تر بیان می‌کند و می‌گوید: «استخدام آن است که لفظی دارای چند معنی باشد و آن را طوری در نظم یا نثر بیاورند که با یک جمله یک معنی و با جمله‌ی دیگر معنی دیگر بیخشد» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۱۳۸۰: ۲۷۵) و اما وجه شبهه دوگانه یا صنعت استخدام بدین‌گونه است که گاهی وجه شبهه در ارتباط با مشبه یک معنی و در ارتباط با مشبه به معنی دیگری دارد یا یکبار حسی و بار دیگر عقلی است. در این صورت کلام بسیار زیبا و هنری خواهد بود. (بیان، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

«رها بودن»، وجه شبه‌ای است که نسبت به روح (مشبه) معنایی متفاوت تا نگاه آهوی کوهی (مشبه به) دارد.

آن لحظه‌ها که روح، در آن‌ها / مثل نگاه آهوی کوهی / بردشت و برگریوه رها بود (خطی زدلتنگی، ۲۶)

«بیقراری» به عنوان وجه شبهه دو معنای متفاوت با مشبه (قرارزندگی) و مشبه به (بوسه و زمزمه و کیبوتر) دارد.

قرار زندگی / از بیقراری است / چون بوسه‌ای و / زمزمه‌ای و / کیبوتری. (ستاره دنباله دار، ۸۲)
حل می‌شود نگاه تو در ظلمت / مثل نمک در آب (غزل برای گل آفتابگردان، ۱۴).
دور از تو من سوخته در دامن شب‌ها / چون شمع سحریک مژه خفتن نتوانم (زمزمه، ۲۵)
در برگ برگ قرعه مرگی که ریختند / بر روی شهر و بال گشوده است / همچون عقاب جور،
بر آفاق اضطراب (خطی زدلتنگی، ۴۰)

۴-۲-۳- وجه شبهه استخدام (چندگانه)

وجه شبهه در تشبیه به گونه‌های است که شامل چند لفظ می‌باشد که هر کدام از آنها با مشبه یک معنی و با مشبه به نیز معنی دیگری دارند.

لانه زنبور لحظه‌هاست مرا عمر / می‌گزد و می‌گریزد (ستاره دنباله دار، ۲۰)

«گزیدن و گریختن» وجه شبه‌ای است که با مشبه و مشبه‌به معانی متفاوتی دارند. «گزیدن زنبور» و «گریختن زنبور» و «گزیدن لحظه عمر» و «گریختن لحظه عمر» هر کدام معنایی جداگانه دارند. لانه زنبور (مشبه) و لحظه عمر (مشبه‌به).

صدف خالی و افتاده به ساحل بودم (زمزمه، ۲۸)

من (مشبه) و صدف (مشبه به) و (خالی و افتاده) وجه شبه‌اند. اگر وجه شبه (خالی و افتاده) رابا مشبه و مشبه به معنا کنیم هر کدام نسبت به ارکان تشبیه معنایی جدا و متفاوت دارد.

مپسند که در گوشه تنهایی و غم‌ها/ چون شمع عیان سوزم و گمنام بمیرم (زمزمه، ۵۰)
گل‌های آرزو، همه، افسرده و کبود (شبخوانی، ۱۳).

دووجه (افسرده و کبود) دو استخدام ایجاد کرده است. ۱- افسرده نسبت به گل (مشبه به) پژمردگی و نسبت به آرزو (مشبه به) ناکامی. ۲- کبود نسبت به گل (مشبه) تیرگی پژمردگی گل و نسبت به آرزو (مشبه به) به واقعیت نپیوستن.

ابرها/ پله پله/ بریده/ در طراز خطی هندسی، محو/ چون عبور صف لک لکان (غزل برای گل آفتابگردان، ۸۵)

چون شمع ز خود رفتم و در منزل خویشم (زمزمه، ۸۵).

۴-۳- انواع تشبیه به اعتبار طرفین

۴-۳-۱- عقلی به حسی

یکی از جنبه‌های هنری تشبیه، پیوند دادن معقولات به محسوسات است. این نوع تشبیه، بیشترین بسامد یعنی ۵۹/۶۰ درصد از تشبیهات شفیعی را در برمی‌گیرد. کروچه در این باره می‌گوید گفته‌اند: که تصویر آنگاه جنبه هنری پیدا می‌کند، که معقولی را با محسوسی پیوند دهد (کلیات زیبایی شناسی، ۱۳۴۴: ۷۹).

لحظه‌هایی که چون کاه و کبریت/ شعله‌ور می‌شد (ستاره دنباله دار، ۱۰۶)

یک نیمه از دریچه مشرق گشوده است/ با لکه‌های ابر/ چو در باد/ پرده‌ها (غزل برای گل آفتابگردان، ۱۰۱).

بادفنا (زمزمه، ۸۶)

۴-۳-۲- حسی به حسی

تشبیهی که مشبه و مشبه‌به آن هر دو از امور حسی و قابل درک باشند. در واقع حواس و صور خیال ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به طوری که اسکلتن در این زمینه می‌گوید: «تصویر در شعر، بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافت‌های حسی شاعر زندگی

می‌بخشد. به عبارت دیگر سبب می‌شود تا خواننده احساس کند که چیزی را به گونه‌های ممتاز می‌بیند، لمس می‌کند، می‌بوید یا می‌شنود» (حکایت شعر، ۱۳۷۵: ۱۰۵). این تشبیه در اشعار شفیعی؛ ۲۸/۸۱ درصد را به خود اختصاص داده است که نشان دهنده‌ی این مطلب است که وی، توصیف امور عینی را نیز در نظر داشته است و فقط به تجربه‌های باطنی و امور متافیزیکی اکتفا نکرده است.

اسکندریه مثل هلالی است (بوی جوی مولیان، ۳۲).

ابرها... / چون عبور صف لک لکان است (غزل برای گل آفتابگردان، ۸۵).

چون آتش اگر جرعه ای از سنگ زدی (خطی زدلتنگی، ۷۱).

۴-۳-۳- حسی به عقلی

یعنی مشبه، حسی و مشبه‌به از امور عقلانی باشد. از نظر تئوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته‌باشد، چون غرض از تشبیه این است که به کمک مشبه‌به که در صفتی آعراف و آجلی و آقوی از مشبه است؛ حال و وضع مشبه را در ذهن تقریر و توصیف کنیم و بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است. از این رو در این تشبیهات، شاعر خود وجه شبه‌ی را که مورد نظر اوست ذکر می‌کند. بدین ترتیب این گونه تشبیه همواره مفصل است (بیان، ۱۳۸۸: ۷۲). بسامد این نوع تشبیه از میان تشبیهات شفیعی ۱/۰۱ درصد می‌باشد.

چون روح بهاران / مردها جوشد ز خاک (در کوچه باغ های نیشابور، ۸۳)

خنیاگر کور در کوچه ای دیگر / یارای آواز خواندن ندارد / مثل پیامی دروغین / روی لبی ایستاده (خطی زدلتنگی، ۸۷)

یا چون یقین که بردم از بستر گمان / روی چه ایستاده / پل خواجو (مرثیه سرو کاشمر، ۸۱).

۴-۳-۴- عقلی به عقلی

تشبیهی که هر دو طرف تشبیه از امور عقلانی و غیر قابل حس هستند. این تشبیه ۹/۰۳ درصد، یعنی کمترین بسامد را در تشبیهات سیف دارد. «از جهت بلاغی، این نوع تشبیه چندان بلاغتی ندارد؛ زیرا دریافت وجوه اشتراک بین دو امر معقول، کاری دشوار است و ثانیاً مشبه‌به بر طبق روال تشبیه، باید در وجه شبه قوی‌تر باشد و چون در این نوع از تشبیه، مشبه نیز از امور عقلانی است، هر ذهنی نمی‌تواند به کیفیت قویتر بودن وجه شبه در مشبه‌به نسبت به مشبه پی ببرد» (معانی و بیان: ۱۳۸۸: ۱۰۰).

پیش آینه، در آن ژرف زلال / که ندارد پایان / مثل سحر سحر چشمه (غزل برای گل آفتابگردان، ۵۰)

در نگاه من / هستی به تنگی می گراید / مثل بیماری و بیزاری (مرثیه سرو کاشمر، ۴۱).
باز آن نثار زمزمه و نور / روح ستاره‌ای ست که گویی / چندان افول کرده است (مثل درخت در شب باران، ۲۹)

۴-۴- پیوند تشبیه با دیگر گونه‌های خیال

یکی از نوآوری‌های شفیعی در تصویرآفرینی، پیوند دادن تشبیه با دیگر عناصر سازنده خیال است. آنچنانکه وی، با مهارت و استادی در این امر، تصویرهای نو و شگرفی آفریده که نمونه‌های آن در شعر دیگر شاعران، کمتر مشاهده می‌شود. این برجستگی هنری در کنار دیگر ویژگی‌های شعر شفیعی، باعث می‌شود که او را در زمینه تصویرآفرینی‌های نوین، زیباوشگفت‌انگیز، شاعری توانا و استادی بی‌نظیر بنامیم.

۴-۴-۱- تشبیه در تشبیه

گاهی مشبه یا مشبه‌به خود تشبیه یا اضافه تشبیهی محسوب می‌شوند، به بیان دیگر، دو تشبیه با هم پیوند می‌خورند. این امر باعث طراوتی خاص در شعر می‌شود و تبحر و استادی شاعر را در این عرصه به نمایش می‌گذارد؛ زیرا چنین امری از عهده‌ی هر هنرمندی ساخته نیست که چندین لایه تشبیه را در یک تصویر بگنجانند و مبدع تصاویری نو شود. هر چند این مورد در شعر شفیعی بندرت دیده می‌شود؛ اما همین موارد اندک نیز منجر به آفرینش تشبیهاتی نو و غریب شده است که خاص زبان و شعر او می‌باشد.

مثل طاووسی که صبح آفتابی می‌گشاید چتر / بوته طاووسی امید (زمزمه، ۷۶).

تویی آن کیمیای جان (مرثیه، ۱۲).

می‌رود آب آینه عمر (از زبان برگ، ۷۰)

شعر روان جوی / صمیمی شد آنچنانک / همچون ترانه‌های خراسانی لطیف / در کوچه‌های کودکی من (از زبان برگ، ۱۹)

آن بلوط کهن، آنجا، بنگر / نیم پاییزی و نیمیش بهار / مثل این است که جادوی خزان / تا کمر گاهش / با زحمت / رفته است و از آنجا دیگر / نتوانسته است بالا برود (مثل درخت در شب باران، ۶۰)

۴-۴-۲- استعاره در تشبیه

این شگرد نیز یکی دیگر از نوآوری‌های شاعر می‌باشد که وی در ضمن مشبه، مشبه‌به و یا وجه‌شبه، استعاره‌یی نهفته که باعث خلق تصاویری بکر و هنری در اشعارش شده است. برخی از آنها در واقع تشبیهات تکراری، کهنه و کم ارزش هستند که شاعر برای آنکه آنها را از ابتدال دور کند، با ذهن خیال‌انگیز و تصویرآفرین خویش ابتدا آنها را تبدیل به استعاره نموده و سپس به عنوان مشبه، به کار گرفته است. هم‌چنانکه شاعران برجسته و بی‌نظیر، مثل سعدی و حافظ نیز تشبیهات کلامشان را با بکارگیری چنین ابزاری نو و زیبا ساخته‌اند.

آذرخشی چون رگ مرمر، شیم را باژگونه کرد (خطی زدلتنگی، ۷۱)
باز آن نثار زمزمه و نور / روح ستاره‌ای است که گویی / چندان افول کرده است (مثل درخت درشب باران، ۸۱).

همچو خورشید سحر بودی (زمزمه، ۸۲)
یا چون یقین که بردم از بستر گمان / روی چه ایستاده / پل خواجو (مرثیه سرو کاشمر، ۸۱)

۴-۴-۳- مجاز در تشبیه

از دیگر شگردهای شاعر در صور خیال، کاربرد تشبیهی است که یکی از ارکان آن تشبیه، مجاز می‌باشد. کاربرد آماری این مورد در اشعار شفعی کدکنی، بسیار کم‌رنگ است؛ اما نکته جالب توجه در این نمونه تشبیهات این است که در آنها مشبه به، مجاز واقع می‌شود و این همان چند لایه بودن تصاویر است و از آنجا که وجه‌شبه از مشبه‌به دریافت می‌شود و مشبه‌به باید روشن‌تر از مشبه باشد، بنابراین ابتدا خواننده باید به واکاوای بپردازد و چندین مرحله راطی کند، آنگه به وجه‌شبه پی ببرد. این نمونه تشبیهات از بهترین انواع تشبیه به‌شمار می‌روند و به نوعی تشبیهات هنری، ابداعی و غریبی هستند که تنها از عهده شاعران آشنا به فن بیان و متخصص برمی‌آید.

مهتاب‌وار بوسه بر آن بام داده‌ایم (زمزمه، ۸۰)
این لحظه چو باران فرو ذریخته از برگ (مثل درخت درشب باران، ۷۳).
واژه‌های تو کلید قفل‌های ماست (مثل درخت درشب باران، ۳۶).

۴-۴-۴- کنایه در تشبیه

گاهی وجه شبه در تشبیه، کنایه است. این شگرد هنگامی که وجه شبه دو معنایی شود به گونه‌ای که با مشبه یک معنا و با مشبه به معنای دیگر داشته باشد، نوعی نوآوری است. همچون نمونه زیر:

زندگی را ذخیره می‌کردیم/ بهر آن روزهای روشن و شاد/ راست مانند این سپیداران (غزل برای گل آفتابگردان، ۶۰)

۴-۴-۵- اسطوره در تشبیه

تویی سیمرغ فرزانه که در هر جا ملجایی (مرثیه سرو کاشمر، ۱۲)

۴-۴-۶- تلمیح در تشبیه

چون عهد دقیانوس می بینم (مرثیه سرو کاشمر، ۴۲)

کو دست بی کرانی تاسردهم چو مجنون (زمزمه، ۷۵)

همه چون عاذر و تو همچون مسیحایی (شبخوانی، ۶۵)

فرهاد پاکبازم کز برق تیشه عشق/ افروختم به حسرت شمع مزار خود را (زمزمه، ۷۴)

۴-۵- انواع تشبیه از جهت وجود یا عدم ادات تشبیه

۴-۵-۱- تشبیه مرسل یا صریح

اگر در تشبیه، ادات تشبیه ذکر شود، آن را تشبیه مرسل یا صریح می‌گویند. در این نوع تشبیه «نقش ادات تشبیه نوعی پیشنهاد برای عبور از مشبه، به سوی مشبه به است» (استعاره، ۱۳۷۷: ص ۱۳). از ۳۵۴ تشبیه موجود در اشعار شفیعی ۲۱۸ مورد، تشبیهات مرسل استفاده شده است. و این در پویایی شعر اثر فراوانی دارد، زیرا ذکر ادات تشبیه در حرکت و پویایی متن تأثیر دارد. اداتی که در اشعار شفیعی استفاده شده است، فراوان و متنوع‌اند. اداتی مانند «چون، مانند، آسا، سان، همچو، همچو و...» که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌رود:

مثل درخت در شب باران، به اعتراف / بامن بگو... (مثل درخت در شب باران، ۱۵)

دور از آرایه به زیبایی صبح/ مثل نقاشی طفلان، معصوم (غزل برای گل آفتابگردان، ۵۱)

زمزمه: ص ۲۱. ص ۴۲. ص ۷۶. ص ۲۳. ص ۸۷. ص ۱۳. ص ۲۱. ص ۵۶. شبخوانی: ص ۱۱.

ص ۲۳. ص ۵۴. ص ۳۲. ص ۱۲. ص ۷۳. ص ۳۴. ص ۷۳. ص ۷۶. ص ۲۳. خطی زدلتنگی: ص ۳۲.

۴-۵-۲- تشبیه مؤکد

اگر ادات تشبیه، حذف شود، تشبیه مؤکد نامیده می‌شود. در این نوع، بر نیرو بخشیدن به تشبیه تأثیر نیرومندتری وجود دارد، زیرا «حذف ادات، عاملی است برای پرتأثیر کردن و نیرو

بخشیدن به تشبیه «صور خیال در شعر فارسی، ۱۳۶۶: ص ۵۶). در مجموع تشبیهات اشعار شفیعی کدکنی ۱۳۶ مورد تشبیه وجود دارد که تشبیه مؤکدند.

گل‌های کاشی مسجد را / در نیمه‌های دی / صبح بهار دید (خطی زدلتنگی، ۴۹)

آیینی ای شدم / (بوی جوی مولیان، ۳۵)

غزل برای گل آفتابگردان: ص ۳۲. ۴۳. ۱۲. ۵۶. ۴۲. ۸۷. ۴۶. ۳۵. در کوچه باغ‌های نیشابور: ص ۲۵. ۱۷. ۱۹. ۲۶. ۳۴. ۲۴. ۷۶. ۵۶. ۴۹. ستاره دنباله دار: ص ۲۱. ۴۳. ۲۴. ۵۴. ۴۵۶. ۴۳. ۶۳. ۲۸. ص

۴-۶- انواع تشبیه از جهت وجود یا عدم وجه تشبیه

۴-۶-۱- تشبیه مفصل

تشبیهی است که وجه شبه در آن ذکر شده باشد. در این نوع تشبیه از باب مسامحه به جای وجه شبه، وصف مذکور می‌شود که مستلزم اوست. (انوارالبلاغه، ۱۳۷۶: ۲۷۵). درست است که در تشبیه مفصل جایگاه چندانی برای مخاطب و مشارکت وی در متن باقی نمی‌ماند، ولی حضور وجه شبه در ساختار تشبیه به شدت در پویایی متن مؤثر است. در اشعار شفیعی کدکنی چیزی حدود ۲۳۳ مورد از تشبیهات، تشبیه مفصل است.

حل می‌شود نگاه تودرظلمت / مثل نم در آب (غزل برای گل آفتابگردان، ۱۴)

مثل بهار از همه سو می‌آید (در کوچه باغ‌های نیشابور، ۲۷)

می‌برد ذات مرا، جمله ذرات مرا / مثل نمک در آب (ستاره دنباله دار، ۴۰)

خطی زدلتنگی: ص ۲۳. ۱۳. ۴۲. ۱۹. ۴۵. ۷۶. ۴۵. ۵۴. از زبان برگ: ص ۶۴. ۲۳. ۶۲. ۲۹. ۶۵. ۳۶. ۸۷. ۵۶. شبخوانی: ص ۱۲. ۲۳. ۴۳. ۴۵. ۴۵. ۶۵. ۶۷. ص

۴-۶-۲- تشبیه مجمل

تشبیهی است که در آن وجه شبه محذوف باشد. در این نوع تشبیه، کوشش خواننده برای پیوند میان اجزای ساختار تشبیه، بیشتر است و دست مخاطب در تولید وجه شبه مورد علاقه، بازتر است و این کار قدرت تخیل او را فعال‌تر می‌کند و با رسیدن به هدف و یافتن پیوند، لذتی مضاعف برای مخاطب به وجود می‌آورد. البته باید بیان کرد که این نوع حذف وجه شبه نباید باعث سردرگمی خواننده شود، زیرا در این صورت لطفی ایجاد نمی‌کند. در میان تمامی تشبیهات مجمل اشعار شفیعی کدکنی تمامی وجه‌شبه‌های محذوف، لطفی و ذوقی

ایجاد کرده‌اند و در تولید وجه شبه، باعث سردرگمی خواننده نشده‌اند. در اشعار شفیعی کدکنی چیزی حدود ۱۲۱ مورد از تشبیهات، تشبیه مفصل است.

در یایم (در کوچه باغ های نیشابور، ۳۹)

بهارانی هنوز (زمزمه ها، ۱۸)

خنده صبح بهارانی هنوز (زمزمه ها، ۱۸)

آینه ای شده / (بوی جوی مولیان، ۳۵)

۴-۷- تشبیهات خاص (نوآوری)

در این نوع آوری‌ها شاعر تلاش دارد تا از تشبیهاتی استفاده کند که علاوه بر این که لذتی نصیب خواننده می‌کند نو و ابتکاری و منحصر به فرد نیز باشد که می‌توان از این بحث به نام بحث نوآوری در تشبیه نیز یاد کرد. هر چه زاویه تشبیه بازتر و شباهت بین طرفین تشبیه دیرپاب‌تر باشد، تشبیه نوتر و هنریتز و شاعر آن مبدع تصاویر نو است و برعکس هر چه زاویه تشبیه بسته‌تر و شباهت بین طرفین تشبیه زودفهم‌تر باشد، تشبیهات، کهنه و تکراری خواهند بود؛ زیرا هرچه درک وجه شبه نیاز به جستجو و دقت بیشتری داشته باشد، تشبیه زیباتر و شگفت‌انگیزتر می‌شود. زرین کوب در این باره می‌گوید: «لطف تشبیه در غرابت و دوریش از ابتذال است؛ بویژه اینکه وجه شبه امری باشد که زود به خاطر نرسد و تا حدی پوشیده باشد و خاطر شنونده به کمک پویه و تقلایی ذهن، بکوشد تا آن را بدست بیاورد» (شعری دروغ شعر بی‌نقاب، ۱۳۸۱: ۵۶). این امر مبین سبک، زبان و نوع نگاه خاص شاعر به جهان پیرامونش است؛ اما ممکن است بسیاری از تشبیهات مبتذل، زمانی غریب و نوبوده‌اند؛ بنابراین نوو خاص بودن این تشبیهات را باید با توجه به عصر شاعر و مقایسه تصاویر شعری وی با هم‌عصرانش بررسی گردد.

شاعر در تشبیه زیر از قید «هرهمیشه» در جایگاه مشبه به استفاده کرده است که جز موارد خاص و سبکی شفیعی محسوب می‌شود و می‌توان گفت در ادبیات معاصر نوآوری در تشبیه به حساب می‌آید.

دیدم که مثل هرهمیشه، باز، سویاسوی / هی می‌پزند از میله تا میله (غزل برای گل آفتابگردان، ۱۰۹).

شفیعی در شعر زیر با حذف واج «ی» از واژه «زلالی» و تبدیل آن به «زالال» و در جایگاه مشبه به قرار دادن این واژه، تغییری در ساختار کهنه بودن تشبیه‌اش ایجاد کرده است.

چون زلال چشمه سارکوه‌ها / از بر چشمت نهانی می‌رود (زمزمه، ۲۲)

در شعر زیر وجه شبه خود یک نوع تشبیه است .

تازدم چون غنچه دم، بر باد رفتم همچو گل (زمزمه، ۸۱)

میوه تلخ هرگز / فصل اگرها (خطی زدلتنگی، ۵۳)

۵- نتیجه‌گیری

شفیعی کدکنی بر اثر نگرش دقیق احساس عمیق و خلاقیت شعری، تشبیهاتی در اشعارش به کار گرفته که در نوع خود کم نظیر است. با آنکه او از همه صورتهای خیال بهره یافته؛ ولی تشبیهات اشعارش هم از جهت بسامد و هم از جهت ابتکار از لونی دیگر است.

او در جهت دستیابی به سبک و زبانی خاص و ایجاد نوعی ابداع و نوآوری در تصویرآفرینی، دست به آفریدن تشبیهاتی نوین می‌زند. تنوع عناصر به کار رفته در تشبیهات شفیعی نشان دهنده وسعت قلمرو علمی و معرفتی شاعر در زمینه‌های گوناگون است و از مقایسه تمام بخشهای مشبه و مشبه‌به از لحاظ مواد تشبیه چنین برمی‌آید که در مشبه، معنویات، بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در بررسی مشبه‌به‌های اشعاروی، بالاترین بسامد مربوط به طبیعت و مواد آن می‌باشد. بسامد بالای تشبیهات مرکب به مرکب نشانه ابتکار و نوآوری و همچنین زبان فاخر و روان و لطیف شاعر است. این امر شاید بیانگر این نکته باشد که شاعر برای به تصویر کشیدن بهتر تصاویر شعری خویش و همچنین نو کردن تشبیهات مبتذل و پیش پا افتاده، مشبه یا مشبه به را مرکب ساخته تا بیشتر بر آنها تأکید شود و در واقع تشبیه خود را برجسته‌تر سازد که این از شگردهای ویژه شاعران توانمند است. کاربرد تشبیه مرکب در اشعار شاعران، نشان از توانایی بالای آنها در پیوند دادن چند تصویر و مانند کردن آنها به یکدیگر است.

تشبیهات گسترده شفیعی کدکنی، بسامد بالایی نسبت به تشبیهات فشرده وی دارد. تشبیه مرسل نسبت به مؤکد و مفصل نسبت به مجمل دارای بسامد بالاتری هستند، زیرا شفیعی در صدد انتقال پیامها و مفاهیم والا به مخاطب است، بنابراین از عواملی که موجب ابهام و پیچیدگی در لفظ و معنا شود، دوری می‌جوید مگر آنکه کلام، آن را اقتضا نماید. بسامد تشبیه بلیغ بخصوص اضافه تشبیهی (تشبیه فشرده) نیز، در اشعار شفیعی بالاست. از آنجا که اشعار وی، شامل مضامین اجتماعی، اخلاقی، عرفانی و پند و اندرز می‌باشد؛ در نتیجه تشبیهات عقلی به حسی نسبت به انواع دیگر تشبیه، از بسامد بالایی برخوردارند. در صورتی که تشبیهات حسی به عقلی و عقلی به عقلی، بسامد بالایی ندارند؛ چرا که دریافت

وجه شبهه از مشبه به حسی، زود فهم تر است و آسان تر صورت می گیرد. وجه شبهه به دو گونه استخدام دوگانه و سه گانه در اشعار ایشان وجود دارد و این به خاطر قدرت شاعر در ترسیم تصویرها با امکانات زبانی زیبا و نوین است. از آنجا که تشبیهات مرکب و عقلی به حسی و عنصر رنگ و استفاده بیش از حد از فعل های جاندار و بسامد تشبیهات نو که عنصر اصلی تصاویر متحرک و پویا می باشند، در شعر وی فراوان است؛ بنابراین می توان گفت که تشبیهات در شعر وی بیشتر پویا و متحرک می باشند تا ایستا.

منابع و مأخذ

- ۱- انوارالبلاغه، مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، به کوشش محمد علی غلامی نژاد، (۱۳۷۶)، تهران، قبله.
- ۲- استعاره، هاواکس، ترنس، ترجمه فرزانه طاهری، (۱۳۷۷)، تهران، نشر مرکز.
- ۳- از زبان برگ، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۴- از بودن تا سرودن، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۵- ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، تهران، سخن.
- ۶- بوی جوی مولیان، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۷- بلاغت تصویر، فتوحی، محمود، (۱۳۸۶)، تهران، سخن.
- ۸- تاریخ زبان فارسی، ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۷۳)، تهران، سمت.
- ۹- حکایت شعر، اسکلتن، رابین، (۱۳۷۵) ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران، میترا.
- ۱۰- جبری، سوس، پرت فیاض منشی، (۱۳۸۹)، کارکرد های زیبایی شناسی پیش آیی فصل در غزل فارسی مندرج در مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره هجدهم، پاییز، ۱۱۳-۱۴۱.
- ۱۱- جواهر البلاغه (بیان و بدیع)، الهاشمی، السید احمد، (۱۳۸۸)، ترجمه علی اوسط ابراهیمی، ج دوم، چاپ دوم، قم: حقوق اسلامی.
- ۱۲- خطی زدلتنگی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۱۳- رنگ، نوآوری و بهره وری، کارکیا، فرزانه، (۱۳۷۵)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- روان شناسی رنگ، قاسم زاده، سید علی، نیکوبخت، (۱۳۸۳)، پژوهش های ادبی، پاییز و زمستان، شماره ۲ صص ۱۴۵-۱۵۶.
- ۱۵- در کوچه باغ های نیشابور، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.

- ۱۶- در جستجوی نیشابور بشر دوست ، مجتبی ، (۱۳۸۰) ، تهران ، ثالث.
- ۱۷- زمزمه ها، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۱۸- ستاره دنباله دار، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۱۹- سفر در مه، پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۸)، تهران: نگاه.
- ۲۰- شبخوانی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۲۱- شعری دروغ، شعر بی نقاب، زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۱)، چاپ نهم، تهران، جاوید.
- ۲۲- صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، (۱۳۶۶)، چاپ سوم، تهران، آگاه.
- ۲۳- غزل برای گل آفتابگردان، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۲۴- کلیات زیبایی شناسی، کروجه، بندتو. ترجمه فؤاد رحمانی، (۱۳۴۴) تهران: بنگاه ترجمه‌ونشر کتاب.
- ۲۵- گونه های نوآوری در شعر معاصر ایران، حسن لی، کاووس، (۱۳۸۳) تهران: ثالث.
- ۲۶- مثل درخت در شب باران، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۲۷- مرثیه های سرو کاشمر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تهران، سخن.
- ۲۸- معانی و بیان، علوی مقدم، اشراف زاده، (۱۳۸۸)، تهران، سمت.